



## معرفی کتاب «مکاتب زبان‌شناسی»

راسخ‌مهند، محمد (۱۳۹۸). مکاتب زبان‌شناسی، تهران: آگه

فریبا صبوری<sup>۱</sup>

مقاله پژوهشی

### مقدمه

کتاب مکاتب زبان‌شناسی، نوشته آقای دکتر محمد راسخ‌مهند، کتابی است در شش فصل، که توسط نشر آگه در سال ۱۳۹۸ منتشر شده است. به‌طور کلی می‌توان این شش فصل را به دو بخش جداگانه تقسیم کرد: بخش اول که به معرفی علم زبان‌شناسی، زبان‌شناسی تاریخی - تطبیقی و آغاز زبان‌شناسی نوین و طرح دیدگاه‌های سوسور، حلقه پراگ و توصیف‌گرایی پرداخته است و بخش دوم کتاب که به شرح و معرفی سه دیدگاه غالب در زبان‌شناسی امروز یعنی صورت‌گرایی، شناخت‌گرایی و نقش‌گرایی اختصاص داده شده است. این کتاب، مسیری را که دانش زبان‌شناسی از اواسط قرن نوزدهم تا به امروز طی کرده است، به‌تصویر می‌کشد و در نهایت به بحث در رابطه با وضعیت فعلی آن می‌پردازد و همان‌طور که نویسنده خود در پیش‌گفتار می‌گوید، هدف این کتاب آن است که «نشان دهد از چه دریچه‌هایی به زبان نگریسته شده و این دریچه‌ها چه تفاوت‌هایی با هم دارند». در این کتاب مهم‌ترین دیدگاه‌ها به زبان و همچنین مهم‌ترین مسائل مطرح شده از ابتدای شروع زبان‌شناسی نوین تا به‌امروز شرح داده شده است.

در حیطه مکاتب زبان‌شناسی، کتاب‌هایی تألیف یا ترجمه شده‌اند (مشکوٰۃ الدینی، ۱۳۷۳؛ دبیرمقدم، ۱۳۸۳؛ روبینز، ۱۳۷۰؛ سورن، ۱۳۸۸)، اما می‌توان گفت یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این کتاب در مقایسه با سایر کتاب‌های موجود در مورد مکاتب زبان‌شناسی، پرداختن به مکاتب جدیدتر نقش‌گرایی و شناخت‌گرایی در کنار سایر مکاتب و مقایسه آنها با یکدیگر است. لذا جای خالی منبعی فارسی، که به‌صورت جامع و فشرده به معرفی

✉ faribasabouri@gmail.com

۱- دانشجوی دکترای زبان‌شناسی، دانشکده ادبیات، دانشگاه بوعلی سینا، همدان

و مقایسه مکاتب نوین پردازد، احساس می‌شد. اینک مروری کلی خواهیم داشت بر محتوا و بخش‌های مختلف کتاب و از هر فصل چکیده‌ای از مفاهیم و نکات مهم ارائه خواهد شد.

### معرفی کتاب

در فصل اول این کتاب، به موضوع تعریف علم زبان‌شناسی پرداخته شده است و این که به‌طور کلی علم چیست، چه اهدافی دارد و چرا زبان‌شناسی علم است. پوزیتیویست‌هایی<sup>۱</sup> مانند پوپر در نیمه اول قرن بیستم بر این نکته تأکید می‌کردند که علم باید عینیت آشکار داشته باشد (مانند ریاضیات و منطق) و رشته‌های دیگر در این تعریف جای نمی‌گیرند. آنها همچنین استفاده از آزمون تجربی را برای محک نظریه‌های علمی، راهی برای شناسایی علم از شبه‌علم می‌دانستند. در همین دوران بود که کتاب توماس کوهن به‌نام *ساختار انقلاب‌های علمی*<sup>۲</sup> در سال ۱۹۶۳ منتشر شد. این کتاب یکی از مهم‌ترین کتاب‌ها در حوزه فلسفه علم است. یکی از نکات اصلی کتاب کوهن آن است که علم تدریجی و خطی نیست، بلکه دوره‌ای است و از راه انقلاب‌های علمی پیش می‌رود. انقلاب علمی نگاهی پذیرفته شده را کنار می‌گذارد و نگاهی تازه می‌آورد. به هر کدام از این نگاه‌ها پارادایم<sup>۳</sup> گفته می‌شود، مانند انقلاب کوپرنیکی در نجوم، داروین در زیست‌شناسی و انیشتین در فیزیک. همیشه پارادایم‌ها از مرحله‌ای به مرحله بعدی با انقلابی علمی ایجاد می‌شود و انقلاب علمی زمانی رخ می‌دهد که پارادایم حاضر قادر به حل مسائل موجود نباشد. به باور کوهن واقعیتی بدون نظریه وجود ندارد و نظریه به‌مثابه دریچه‌ای است که با آن می‌توانیم واقعیتی که به‌دنبال آن هستیم، ببینیم. چیزی به‌عنوان داده خالص و بدون نظریه و به‌عبارتی مشاهده خنثی وجود ندارد. بسیاری از فیلسوفان علم بر این باورند که در علوم انسانی پارادایم وجود ندارد و دلیل آن این است که دانشمندان این رشته هنوز با یکدیگر به توافق نرسیده‌اند. در زبان‌شناسی هم بحث همین است. به‌عنوان مثال گرین (۱۹۷۴) معتقد است گذر از زبان‌شناسی تاریخی قرن نوزدهم به زبان‌شناسی توصیفی در قرن بیستم انقلاب محسوب نمی‌شود و در زبان‌شناسی انقلابی روی نداده است و این تغییر تنها تغییر نگاه از مطالعات تاریخی به مطالعات توصیفی است. افرادی مانند پرسپوال نیز بر این باورند که زبان‌شناسی نوین در تعریف «علم متعارف» کوهن قرار نمی‌گیرد.

از سوی دیگر افرادی مانند نیومایر می‌گویند زبان‌شناسی زایشی انقلابی در زبان‌شناسی بوده است چرا که توانسته است برخی مسائل پیش از خود را حل کند و تا سال‌ها نیز مورد قبول بسیاری از افراد بوده است. هنوز هم بحث زبان‌شناسی به‌عنوان علم در میان زبان‌شناسان وجود دارد. افرادی مانند ایوانز نیز قبول دارند که زبان‌شناسی زایشی انقلابی در زبان‌شناسی بوده است اما بر این باور است که این پارادایم به بحران رسیده است و اکنون زمان آن است که پارادایم دیگری در زبان‌شناسی به‌جای آن بنشیند (ایوانز، ۲۰۱۵).

1. Positivist
2. The structure of scientific revolutions
3. Paradigm

فصل دوم به مطالعه زبان تا قرن بیستم، به‌ویژه قرن نوزدهم اختصاص دارد. اهمیت قرن نوزدهم در شکوفایی زبان‌شناسی تاریخی - تطبیقی<sup>۱</sup> بود. در این قرن توجه عمده زبان‌شناسان معطوف به مطالعه تاریخ زبان‌ها، ارتباط آنها و تلاش برای بازسازی<sup>۲</sup> «زبان‌های نخستین»<sup>۳</sup> بود. تا پیش از قرن نوزدهم مطالعات در این حوزه بسیار پراکنده و فردی بوده و نظریه خاصی دنبال شده است اما به‌مرور این مطالعات درهم‌ریخته در قرن نوزدهم منسجم و روش‌مند شدند. یکی از افراد مهم در زبان‌شناسی قرن نوزدهم سر ویلیام جونز<sup>۴</sup> یا همان جونز مشرقی بود که در سخنرانی‌های سالیانه‌اش به موضوعات مرتبط با زبان پرداخت و این سخنرانی‌ها اساس معرفی زبان‌های خانواده هند و اروپایی قرار گرفت و نقش مهمی در گسترش زبان‌شناسی تطبیقی داشت. دو علم زیست‌شناسی داروینی و فیزیک نیوتونی در قرن نوزدهم علوم موفق بودند و بر زبان‌شناسی این دوره تأثیر گذاشتند. ورود اصطلاح «قانون»<sup>۵</sup> در توصیف چگونگی تغییرات آوایی متأثر از علم فیزیک بود، چرا که زبان‌شناسان این قرن نیز مانند فیزیک آن دوره، به دنبال کشف قوانین بودند (مانند قانون گریم<sup>۶</sup>) و همچون زیست‌شناسی به دنبال مفاهیم تکامل و تغییر. به‌عبارتی با الگوبرداری از پارادایم داروینی و تحت تأثیر درخت‌های خانوادگی زیست‌شناسی، در زبان‌شناسی نیز چنین الگوهایی برای خانواده‌های زبانی ارائه شد. نکته دیگر در رابطه با زبان‌شناسی قرن نوزدهم، بحث نگاه تکاملی به زبان بود. یعنی زبان‌شناسان آن دوره تحت تأثیر داروین بر این باور بودند که برخی زبان‌ها از بعضی زبان‌های دیگر بهتر است. موضوع دیگری که در زبان‌شناسی قرن نوزدهم مطرح است، بحث نگاه تکاملی به زبان است، تحت تأثیر دیدگاه‌های داروین فکر می‌کردند که برخی زبان‌ها از برخی دیگر بهتر هستند.

در اواخر قرن نوزدهم گروهی به‌نام نو دستوریان<sup>۷</sup> که شاگرد زبان‌شناسان تاریخی تطبیقی بودند، دیدگاه غالب در زبان‌شناسی را پیدا کردند. این گروه از زبان‌شناسان پارادایم داروینی را قبول نداشتند و معتقد بودند مهم‌ترین تغییرات در زبان‌ها تغییرات آوایی‌اند که بر اساس فرایندهای مکانیکی قانون‌مند صورت می‌گیرند. نکته‌ای که آنها را از اساتیدشان متفاوت می‌کرد نگاه آنها به زبان به‌عنوان یک مفهوم اجتماعی بود و نه یک موجود زنده. اصل «یکنواختی»<sup>۸</sup> نیز یکی دیگر از اصول مورد تأکید نو دستوریان بود که بر اساس این اصل، طبیعت ذهنی و فیزیولوژیک انسان در تمام دوره‌ها یکنواخت بوده و پدیده‌ای که امروز مطالعه می‌شود، به احتمال زیاد دیروز هم همین بوده و فردا نیز این‌گونه خواهد بود.

در فصل سوم به آغاز زبان‌شناسی نوین در قرن بیستم پرداخته شده است. ویژگی اصلی زبان‌شناسی قرن بیستم حاکمیت زبان‌شناسی هم‌زمانی است. فردینان دو سوسور<sup>۹</sup> بنیان‌گذار زبان‌شناسی نوین بود، یعنی

1. Historical-comparative linguistics
2. Reconstruction
3. Proto-Languages
4. Sir William Jones
5. Law
6. Grimm's Law
7. Neogrammarians
8. Uniformitarianism
9. Ferdinand de Saussure

زبان‌شناسی توصیفی در برابر تاریخی یا زبان‌شناسی هم‌زمانی در مقابل زبان‌شناسی در زمانی. کتاب دوره زبان‌شناسی عمومی<sup>۱</sup> براساس دست‌نوشته‌های سوسور و یادداشت‌های برخی دانشجویان او از مباحث مطرح‌شده در کلاس‌های درس حاصل آمد و انتشار این کتاب تغییرات بزرگی چه در دنیای زبان‌شناسی و چه در سایر علوم اجتماعی، مطالعات ادبی و فلسفه به‌دنبال داشت و رویکردی در زبان و مطالعات ادبی آغاز کرد که به آن ساخت‌گرایی<sup>۲</sup> می‌گویند. سوسور زبان را نظامی از نشانه‌ها می‌داند، برخلاف دوره قبل که تحت تأثیر زیست‌شناسی داروینی، زبان را موجودی زنده می‌دانستند که تغییر می‌کند و باید به‌دنبال کشف قوانین این تغییرات بود. تعریفی که سوسور از زبان داد، تعریفی جامعه‌شناختی بود. و علم زبان‌شناسی را بخشی از علمی بزرگ‌تر به‌نام نشانه‌شناسی<sup>۳</sup> می‌دانست که در آن مطالعه نشانه‌ها اصل است. منظور سوسور از نشانه، اتحاد دال<sup>۴</sup> و مدلول<sup>۵</sup> بود یا ارتباط لفظ و معنی. در زبان نیز هر واژه یک نشانه است. چون یک دال دارد یعنی لفظ، و به چیزی اشاره می‌کند یعنی مدلول. سوسور تأکید می‌کند که نشانه تنها در گام نخست دلبخواهی است، اما هنگامی که انتخاب شود و در جامعه زبانی تثبیت گردد، دیگر جنبه اجتماعی می‌گیرد و به‌راحتی قابل تغییر نیست. ویژگی دیگر نشانه خطی<sup>۶</sup> بودن دال‌هاست. چون زبان تنها یک بُعد زمانی دارد، جاری بودن در زمان به نشانه‌ها ماهیتی خطی می‌دهد و به همین دلیل توالی<sup>۷</sup> مهم است. سوسور در نظام زبان دو‌گونه رابطه اساسی میان نشانه‌ها معرفی می‌کند یعنی رابطه هم‌نشینی<sup>۸</sup> و رابطه متداعی<sup>۹</sup> یا جانشینی<sup>۱۰</sup> که این دو نوع رابطه، دو نوع فعالیت ذهنی متفاوت هستند و هر یک به‌شیوه‌ای متفاوت ارزش هر نشانه زبانی را تعیین می‌کنند. به این صورت که محور جانشینی ارزش سلبی نشانه را تعیین می‌کند و محور هم‌نشینی نیز نوع رابطه بین عناصر زبان در سطوح مختلف آوایی، صرفی و نحوی را مشخص می‌کند. سوسور نگاه تاریخی را در زمانی<sup>۱۱</sup> و نگاه توصیفی را هم‌زمانی می‌گوید<sup>۱۲</sup>. مطالعه زبان به‌عنوان نظامی خاص زبان‌شناسی هم‌زمانی است. پس یکی از تقابل‌ها زبان‌شناسی هم‌زمانی در مقابل زبان‌شناسی در زمانی است. نکته دیگر آن است که گرچه رابطه دال و مدلول در زبان‌شناسی اختیاری است، ولی این امر به‌این معنا نیست که هر فردی می‌تواند نشانه را تغییر دهد، چرا که این نشانه‌ها ماهیت اجتماعی دارند.

زبان‌شناسی این دوره در دو قاره آمریکا و اروپا تحت تأثیر سوسور قرار گرفت و هر مکتبی که طرفدار سوسور بود و دیدگاه‌های سوسور را پذیرفته بود، نام مکتب ساخت‌گرایی به‌خود گرفت. مکتب پراگ (یا حلقه پراگ) در

1. Cours de linguistique générale
2. Structuralism
3. Semiology
4. Signifiant
5. Signifie
6. Linearity
7. Order
8. Syntagmatic
9. Associative
10. Paradigmatic
11. Diachronic
12. Synchronic

۱۹۲۶ تشکیل شد و در واقع اولین نقش‌گراها بودند. عمده شهرت زبان‌شناسی مکتب پراگ به مطالعاتی است که در حوزه واج‌شناسی صورت گرفته است. افرادی چون ویلم متسیوس<sup>۱</sup>، تروبتسکوی<sup>۲</sup>، یاکوبسن<sup>۳</sup> و آندره مارتینه<sup>۴</sup> از مهم‌ترین افراد این مکتب بودند که کارهای مهم هر یک از آنان به صورت موجز اما مفید در این فصل آورده شده است.

توصیف‌گرایی یا ساخت‌گرایی آمریکایی نیز در آمریکا و هم‌زمان با طرح دیدگاه‌های سوسور و با هدایت فرانتس بواس<sup>۵</sup> پا گرفت. از آن‌جا که بواس مردم‌شناس بود، ساخت‌گرایی آمریکایی تحت تأثیر مردم‌شناسی بوده است. زبان‌شناسان این مکتب اولین گروهی بودند که از مطالعات میدانی استفاده کردند. بحث‌های ساخت‌گرایی آمریکایی به لحاظ نگاه به زبان چند ویژگی دارد که یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های آن نسبی‌گرایی<sup>۶</sup> است. این مکتب سه فرد معروف دارد: ادوارد سپیر<sup>۷</sup>، بنجامین ورف<sup>۸</sup> و لئونارد بلومفیلد<sup>۹</sup> که ویژگی‌ها و نظرات این افراد نیز در بخش آخر این فصل آورده شده است.

سه فصل پایانی این کتاب به مکاتبی پرداخته است که هنوز در دنیا طرفدارانی دارند: صورت‌گرایی، نقش‌گرایی و شناخت‌گرایی. به عبارتی، این سه مکتب، مکاتب زنده دنیای زبان‌شناسی هستند. در انتهای این سه فصل، خلاصه‌ای از مفاهیم ذکر شده ارائه شده است که این خود به جمع‌بندی مطالب در ذهن خواننده کمک شایانی می‌کند.

فصل چهارم به معرفی دیدگاه‌های چامسکی پرداخته است. چامسکی بنیان‌گذار مکتب صورت‌گرایی یا فرمالیسم است و دیدگاه‌های او حداقل تا اواخر دهه ۱۹۷۰ بی‌رقیب بود و بسیاری از افراد بر این باورند که چامسکی در زبان‌شناسی انقلاب ایجاد کرد، یعنی زبان‌شناسی را از مکاتب پیشین، یعنی ساخت‌گرایی سوسوری و ساخت‌گرایی آمریکایی، به پارادایمی جدید یعنی دستور زایشی یا دستور زایشی گشتاری وارد کرد. چامسکی برخلاف تجربه‌گرایان، بحث خردگرایی و نظریه ایده‌های فطری را زنده کرد و دوباره به افلاطون و دکارت بازگشت و بر این باور بود که بسیاری از فعالیت‌های ما جنبه ژنتیکی دارد. این مکتب دارای برخی ویژگی‌های بنیادی است که آن را از سایر مکاتب زبان‌شناسی جدا می‌کند. چامسکی برای نخستین بار یک نظریه زبانی ارائه داد و به همین دلیل گاهی به دیدگاه‌های چامسکی زبان‌شناسی نظری هم گفته می‌شود. او نخستین تحریر از نظریه خود را در کتاب *ساخت‌های نحوی*<sup>۱۰</sup> به دست داد. نظریه او دستور زایشی<sup>۱۱</sup> بود و بر آن است که

1. Vilém Mathesius
2. Nikolai Sergejevich Trubetzkoy
3. Roman Osipovich Jakobson
4. Andre Martinet
5. Franz Boas
6. Relativism
7. Edward Sapir
8. Benjamin Lee Whorf
9. Leonard Bloomfield
10. Syntactic Structures
11. Generative Grammar

مشخص کند «هر سخنگو واقعاً چه می‌داند». به باور او مغز انسان به صورت زیستی برای فراگیری زبان برنامه‌ریزی شده است یعنی قوه نطق، فطری و ذاتی است. این باور او بر خلاف حرف بلومفیلد و رفتارگرایی<sup>۱</sup> بود که مغز انسان را در زمان تولد همانند لوح سفید می‌دانستند که زبان را با تمرین و تکرار فرا می‌گیرد. شاید بتوان گفت مهم‌ترین شهرت چامسکی، مخالفت با رفتارگرایی پیش از خودش است. نظریه زبانی باید به دنبال تبیین باشد و همچنین فرضیه‌های آزمون‌پذیر داشته باشد یعنی قابل رد و یا قابل اثبات باشد. مهم‌ترین شاهد برای چامسکی و نظریه‌اش، شم زبانی است. پس نظریات خود را با دانش زبانی (توانش) سخنگوی بومی تست می‌کند. ویژگی سوم نظریه چامسکی آرمانی‌سازی<sup>۲</sup> است. آرمانی‌سازی در همه علوم به‌ویژه علوم طبیعی وجود دارد. چامسکی بر این باور است که در نظریه زبانی، با یک گوینده یا شنونده ایده‌آل سروکار دارد و به محدودیت حافظه، خستگی و فراموشی که ممکن است در کنش رخ دهد، کاری ندارد و باید این عوامل را نادیده انگاشت. دو مفهوم مهم دیگر در دیدگاه چامسکی خردگرایی<sup>۳</sup> و ذهن‌گرایی<sup>۴</sup> است. فلسفه‌ای که چامسکی پیرو آن است فلسفه خردگرایی است در مقابل تجربه‌گرایی<sup>۵</sup>. او عقل و استدلال را منبع اصلی دانش می‌داند. او به وجود دانش پیشینی که فطری است، اعتقاد دارد لذا می‌توان گفت فلسفه زبان چامسکی ذهن‌گرا نیز هست چرا که ذهن را مرکز افکار و زبان می‌داند. چامسکی توانایی زبان را فطری می‌داند به این معنا که هر کودکی در هنگام تولد آن را با خود دارد.

سومین ویژگی این مکتب آن است که زبان را حوزه‌ای مستقل از ذهن می‌داند و اصطلاحاً به استقلال حوزه زبان اعتقاد دارد. در این مکتب بحث جدایی زبان از هوش مهم است، چرا که پیش از آن در دیدگاه سنتی چنین تصور می‌شد که افراد باهوش زبان مادری خود را بهتر یاد می‌گیرند (افرادی مانند ژان پیاژه و پیروان وی هوش را پیش شرطی برای یادگیری زبان می‌دانستند). اما مطالعات دستور زایشی با ارائه شواهدی این فرضیه را نقض می‌کند، به‌عنوان مثال کودکانی که سندروم داون دارند نیز در یادگیری زبان مادری خود مشکلی ندارند. ویژگی چهارم، تمایز میان توانش و کنش است. توانش، دانش زبانی است که ناخودآگاه و ذهنی است. کسی که زبانی را به‌عنوان زبان مادری یاد می‌گیرد، توانش آن زبان را دارد و کنش کاربرد این دانش زبانی در زمان سخن گفتن و شنیدن است. کنش کاربرد واقعی زبان است و ممکن است به دلایلی فردی و محیطی، برابر با توانش نباشد. چامسکی می‌گوید که توانش از کنش مستقل است و اگر فردی نتواند صحبت کند، توانایی ذهنی او برقرار است. در حقیقت توانش مجموعه قواعدی در ذهن فرد است که به این قواعد دستور زبان می‌گویند. چامسکی دو اصطلاح زبان درونی<sup>۶</sup> و زبان بیرونی<sup>۷</sup> را معرفی کرده است که به مفاهیم توانش و کنش نزدیک هستند. دستور زایشی با زبان برونی و مطالعه اجتماع و فرهنگ سروکار ندارد، بلکه هدف او مطالعه زبان درونی

1. Behaviourism
2. Idealization
3. Rationalism
4. Mentalism
5. Empiricism
6. I-Language
7. E-language

و توانایی ذهنی گویشور است و با مطالعه این دانش زبان فردی، به دنبال کشف الگوی زبان در گونه انسانی است. این الگوی مشترک که ذاتی است همان دستور همگانی است. از نظر چامسکی انسان هیچ زبانی را به صورت وراثتی نمی‌داند اما از طریق ویژگی‌های ژنتیکی که دارد که می‌تواند زبان را یاد بگیرد.

تعریف چامسکی از زبان «جمله‌محور» است که با تعریف‌های پیش از خود متفاوت است. به عبارتی تأکید دیدگاه چامسکی بر جمله است و از این‌رو، در دستور وی بخش نحو جایگاه مهمی دارد. چامسکی و دیگر صورت‌گرایان، واژگان را به عنوان بخش بنیادی دستور زبان تعریف می‌کردند و بر این باورند که تفاوت‌های میان زبان‌ها بر اساس تفاوت واژگان مشخص می‌شود. اطلاعات درون واژگان پیش‌بینی‌پذیر نیست و اطلاعات خاص هر واژه است و بخش پیش‌بینی‌پذیر در نحو قرار دارد. هر واژه در واژگان محدودیت‌هایی نیز درباره حضور در کنار سایر واژه‌ها دارد. این محدودیت‌ها گزینشی هستند. چامسکی بر این نکته تأکید دارد که در نحو بیش از یک ساخت وجود دارد و به دو سطح نحوی نیاز است: ژرف‌ساخت و روساخت. قواعد گشتاری و ساختار زبان از نگاه صورت‌گرایان نیز در بخش پایانی این فصل معرفی شده است.

در فصل پنجم این کتاب به معرفی مکتب زبان‌شناسی شناختی به عنوان یکی از سه مکتب غالب در زبان‌شناسی امروز پرداخته شده است که در دهه ۱۹۷۰ در آمریکا پا گرفت و مورد توجه زبان‌شناسان واقع شد. مکتب زبان‌شناسی شناختی در کنار روان‌شناسی، عصب‌شناسی، هوش مصنوعی و فلسفه، علوم‌شناختی را تشکیل می‌دهند و هدف مشترک آنها «درک نحوه شناخت از سوی انسان و بررسی مسائل ذهنی اوست» (ص ۹۷). زبان‌شناسان شناختی، دستور همگانی ذاتی را نمی‌پذیرند و حوزه‌ای بودن ذهن را نیز قبول ندارد و به تمایز قطعی میان کنش و توانش قائل نیستند. دیدگاه‌های زبان‌شناسان شناختی به نقش‌گرایان نزدیک است و از این‌رو در اشاره به هر دو رویکرد از «زبان‌شناسی کاربردبنیاد»<sup>۱</sup> استفاده می‌کنند چرا که هر دو این رویکردها به دنبال یافتن ویژگی‌های زبان بر اساس کاربرد زبان و نظام شناختی انسان هستند. این دو رویکرد وجود دانش زبانی فطری مشترک را قبول ندارند و سعی دارند تا همگانی‌های زبان را پیدا کنند. شناخت‌گرایان بنیاد مطالعه زبانی را معنی می‌دانند، پس در زبان‌شناسی شناختی معنی اصل است و صورت فرع. این مکتب چارچوبی منعطف دارد اما متشکل از چندین نظریه است و نه یک نظریه واحد. یکی از مفاهیم مهم در زبان‌شناسی شناختی جسمی‌شدگی<sup>۲</sup> است، به این معنی که «مقولات ذهنی و زبانی نمی‌توانند انتزاعی، غیرجسمی و مستقل از انسان باشند» (ص ۱۰۱). یعنی ما مقولات را بر اساس تجربه درک می‌کنیم. بنابراین تمامی مفاهیم زبانی ریشه در تجربیات متأثر از محدودیت‌های حاکم بر بدن ما دارند. این موضوع، مقابل دیدگاه صورت‌گرایان است که زبان را دلخواهی می‌دانند. این انعکاس و نقش تجربه در ساخت زبان همان تصویرگونگی<sup>۳</sup> است. یکی از مهم‌ترین مفاهیم مورد توجه زبان‌شناسان شناختی، «معنی» است. از نگاه آنها زبان چیزی جز معنی نیست. زبان به مثابه دریچه‌ای است که به ما این امکان را می‌دهد تا معنای پشت آن را ببینیم. به همین دلیل می‌گویند

1. Usage-based linguistics  
2. Embodiment  
3. Iconicity

معنی در زبان منظری<sup>۱</sup> است. معنای زبانی ثابت نیست بلکه همواره پویا است و ما با انتخاب منظرهای مختلف، می‌توانیم معانی متفاوتی را اتخاذ کنیم. و در نهایت آن که معنای زبانی دائرةالمعارفی<sup>۲</sup> است و نه قاموسی<sup>۳</sup>. «معنای دائرةالمعارفی حاصل تعامل انسان با جهان است و نمی‌توان معنا را مستقل و مجزا از جهان و تجربه درک کرد» (ص ۱۰۲). در ادامه این فصل به بررسی برخی از مهم‌ترین جزیره‌هایی که در مجمع‌الجزایر شناختی جای دارند، یعنی مقوله‌بندی، استعاره مفهومی، معنای دائرةالمعارفی، طرح‌واره‌های تصویری، چندمعنایی، دستورهای ساختی و فراگیری زبان، پرداخته می‌شود.

دو مکتب شناخت‌گرایی و نقش‌گرایی در حقیقت دو مکتبی هستند که به‌صورت اعتراض و مقابله با دیدگاه‌های چامسکی در زبان‌شناسی پیدا شده‌اند و به همین دلیل نسبت به آن رویکرد متأخرتر محسوب می‌شوند. هر دو آنها تقریباً از ۱۹۸۰ به بعد پا گرفته‌اند اما می‌توان گفت که امروزه این دو مکتب در کنار صورت‌گرایی، سه مکتب غالب در زبان‌شناسی هستند. شناخت‌گرایان دستور ذاتی همگانی را قبول ندارند. از نظر آنها، کودکان با توانایی زبانی متولد نمی‌شوند بلکه در کنار سایر توانایی‌های شناختی، آن را یاد می‌گیرند. لذا آنها به وجود قوه مستقل زبانی قائل نیستند و از این‌رو حوزه‌ای بودن ذهن را قبول ندارند. از طرف دیگر، این دسته از زبان‌شناسان تمایز توانش و کنش، به این معنا که کنش زبانی هیچ تأثیری بر توانش زبانی نداشته باشد، نمی‌پذیرند. شناخت‌گرایان اعتقاد دارند که دستور زبان مجموعه‌ای از ساخت‌ها<sup>۴</sup> است مانند ساخت مجهول، امری، التزامی و الی‌آخر.

فصل آخر این کتاب به مکتب نقش‌گرایی به‌عنوان یکی از رقبای مکتب صورت‌گرایی می‌پردازد. در دیدگاه نقش‌گرایی، اصلی‌ترین کاربرد زبان ایجاد ارتباط است و این ارتباط است که به زبان شکل می‌دهد. از نظر آنان دستور حاصل کاربرد زبان است (هاوکینز، ۱۹۹۴). نقش‌گرایان نیز مانند شناختی‌ها تمایز توانش و کنش را نمی‌پذیرند بلکه به باور آنها توانش، خود حاصل سازوکارهای دخیل در کاربرد زبان است. در ادامه این فصل به ویژگی‌های زبان‌شناسی نقش‌گرا پرداخته شده است. نخست آن که تبیین‌های نقش‌گرایان برون زبانی است. به این معنی که برای پاسخ به چرایی‌های زبانی، باید عوامل خارجی را مورد بررسی قرار داد. آنان نیز مانند صورت‌گرایان به‌دنبال همگانی‌های زبانی هستند اما برخلاف صورت‌گرایان که در خود زبان به‌دنبال یافتن پاسخی برای چرایی‌ها می‌گردند، نقش‌گرایان پا بیرون از زبان گذاشته و همگانی‌ها را حاصل ارتباط و سهولت پردازش می‌دانند. از مهم‌ترین تبیین‌های نقشی می‌توان به نشان‌داری<sup>۵</sup>، تصویرگونگی<sup>۶</sup>، اقتصاد<sup>۷</sup> زبانی، بسامد<sup>۸</sup>،

1. Perspectival
2. Encyclopaedic
3. Dictionary
4. Construction
5. Markedness
6. Iconicity
7. Economy
8. Frequency



عوامل کلامی<sup>۱</sup> و جریان اطلاع<sup>۲</sup>، دستوری‌شدگی<sup>۳</sup> و پردازش<sup>۴</sup> اشاره کرد که هر یک از این تبیین‌ها به‌طور خلاصه و مفید در فصل پایانی این کتاب معرفی شده‌اند. نقش‌گرایان نشان‌داری را حاصل رقابت میان تصویرگونگی و اقتصاد می‌دانند، به‌عبارتی نشان‌داری خود مفهومی زبانی است اما دلیلی برون‌زبانی دارد. تصویرگونگی انعکاس واقعیت در زبان است و اقتصاد زبانی تلاش برای تولید و درک هرچه ساده‌تر مفاهیم زبانی است. بسامد زبانی با اقتصاد قرابت دارد به این ترتیب که هرچه بسامد یک صورت زبانی بیش‌تر باشد، آن صورت کوتاه‌تر خواهد بود. اقتصاد و بسامد پدیده‌هایی پردازشی هستند چرا که هرچه صورت زبانی کوتاه‌تر و پربسامدتر باشد، پردازش آن برای سخنگو آسان‌تر خواهد بود. تصویرگونگی نیز با پردازش در ارتباط است، به این صورت که هرچه تجربه غیرزبانی در زبان تجلی یابد، یادآوری، ذخیره و در نتیجه پردازش آن برای گویشور آسان‌تر خواهد بود. زبان دائماً در تلاش برای برقراری تعادل میان این دو انگیزه رقیب است که گاه کفه ترازو به نفع اقتصاد است و گاه به نفع تصویرگونگی. زبان‌شناسی نقش‌گرا ارتباط نزدیکی با رده‌شناسی دارد. در رده‌شناسی، همگانی‌های یافت‌شده تبیین‌هایی نقشی دارند و پاسخ به چرایی‌ها در خارج از زبان جست‌وجو می‌شود. لذا می‌توان با تلفیق نقش‌گرایی و رده‌شناسی به داده‌هایی موثق و جامع‌تر دست یافت. از آن‌جا که در نقش‌گرایی فرد واحدی به‌عنوان بنیان‌گذار این رویکرد وجود ندارد، تقسیم‌بندی‌های متفاوتی از شاخه‌های نقش‌گرایی ارائه شده است که در بخش ۳-۶ این فصل این شاخه‌های مختلف به‌طور کامل معرفی شده‌اند.

متن کتاب بسیار روان و قابل درک است و سراسر کتاب از هماهنگی کامل و انسجام بسیار بالایی برخوردار است و همین امر به خواننده در درک بهتر مطالب بسیار کمک می‌کند، به‌طوری‌که مفاهیم مطرح در هر فصل در ذهن خواننده به‌صورت بسیار منظمی نقش می‌بندد، اما در ۳ فصل نخست به‌دلیل فراوانی اسامی افراد و تاریخ‌ها، گاه سهوهای نگارشی و تایپی در متن به‌چشم می‌خورد که البته امری اجتناب‌ناپذیر است، اما رفع آنها می‌تواند به یکدستی و روانی متن کمک کند. نمونه‌هایی از این لغزش‌ها در ذیل فهرست شده‌اند:

صفحه ۱۲، خط اول، می‌پردازن می‌شود

صفحه ۲۴، به چالش کشده شده

صفحه ۲۴، پاراگراف دوم، خط ۱۰ سخن - خط ۲۲ زبان‌شناسی‌مشخص

صفحه ۳۱، پاورقی، ایراد در نگارش نام Fredreich Schlegel

صفحه ۳۱، تاریخ فوت کنراد گسندر به اشتباه به‌جای ۱۵۶۵ به‌صورت (۱۵۵۶) نوشته شده است.

صفحه ۳۲، پاورقی، Asiatick Society

صفحه ۳۴، خط، ۱۹ پیدا کر

صفحه ۳۶، پاورقی Proto-fline که صورت صحیح آن Feline است

1. Discourse factors
2. Information flow
3. Grammaticalization
4. Processing

صفحه ۳۶، پاورقی، Ernst Hackel ---> Haeckel

صفحه ۴۴، پاورقی، ایراد در نگارش نام کتاب سوسور Cours de linguistique générale

صفحه ۵۵، پاورقی، ایراد نگارشی در نام نیکلای سرگئیویچ تروبتسکوی nikoli sergeiievich

trubetzkoy

صفحه ۵۷، پاورقی، allephones

صفحه ۶۰، پاورقی، نام مقاله یا کوبسن: Linguistics and poetics

کلام آخر آن که کتاب «مکاتب زبان‌شناسی» منبعی ارزشمند برای آگاهی از سیر تکوینی و تحولی زبان‌شناسی است که خواننده را به خوبی با گرایش‌ها و نظرات هر دوره آشنا می‌کند و از این‌رو منبعی بسیار سودمند و تأثیرگذار برای آشنایی با مسیری است که زبان‌شناسی نوین از آغاز تا به امروز طی کرده است و خواندن آن به علاقمندان این حوزه توصیه می‌شود.